

در تمام عالم وجود در نزد کارشناسان پرورش و تربیت دو بخش به هر پرورشی اختصاص داده شده و در کار هر مربی وجود دارد. در نظام پرورشی اسلام بخش اول تعلیم است و بخش دوم تهذیب. اول پر کردن و دوم پاک کردن. این در تربیت ذهن آدمی است. در تربیت جسم هم بعد اول به نام تغذیه و بعد دوم به نام تنقیه مسمی شده است. با تغذیه جسم را پر کنید از انرژی و با تنقیه جسم او را پاک بکنید از آنچه که برایش مضر است. در تمام عالم تربیت و پرورش، این دو مرحله وجود دارد. حتی در پرورش درخت بعد اول به وسیله آب و مواد معدنی و در بعد دوم او را حرس باید کرد.

در مسائل اقتصادی که رزق مادی و مسائل فرهنگی که روزی معنوی است این دو بخش وجود دارد. اگر فقط هم و غم خود را معطوف به تحصیل کنیم ولیکن از تهذیب غافل شویم مطمئناً رشد درستی نخواهد داشت. در مورد درخت و جسم انسان، اگر فقط به کود و آب فکر کردی ولی شاخه های پایینی آن را حرس نکردی شروع می کند به پهن شدن و نه قد کشیدن و تمام قوت ریشه را در خود به هدر می دهد حالا اگر آمدید مهربانانه و نه از قهر شاخه های پایین را زدید شاید درخت دردش بگیرد ولی به نفع اوست به همین خاطر به انسانی که درخت را حرس می کند به عربی مُرکّی و به حرس زکاه اطلاق می شود در ماده (ز-ک-ی) در قرآن دو رویکرد وجود دارد در اول می فرماید: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا) در دوم می فرماید: (فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَهُمْ؛ خود را پاک نپندارید) پاک پنداشتن خود با پاک کردن خود از یک ماده و ریشه است و هر دو از یک منشاء ناشی می شود ولی تفاوت در محصول است.

من فقط به تغذیه خود رسیدگی میکنم و نه به تنقیه آن، صبح و ظهر و شب فقط می خورم و دستگاه گوارش را پر می کنم و گمان میکنم در نتیجه تجزیه و ترکیب انرژی آزاد شده باعث رشد جسمانی ام میشود، باید بدانم که فرجام خود را با بیماریهای متعدده نشان می دهد. عمده بیماری های ما در جوامع در حال گذار به خاطر نبود تنقیه است. دستگاه گوارش را پاکسازی نمی کنیم. از مری گرفته تا روده بزرگ و کوچک تا به آخر برای مخرج به شکلی تعبیه شده است که اندکی از مواد غذایی را در خودش نگه می دارد. شکل معده خود را که ملاحظه کنید مواد غذایی ته معده از خروجی که اندکی بالاتر از کف معده است وارد روده می شود و همیشه مقداری از مواد ته معده ما جا خواهد ماند روده های ما مثل لوله صاف نیست بلکه کنگره کنگره است م همین کنگره های داخلی باعث می شود مواد غذایی را درون نگه دارد. روده ای که اگر باز شود در انسان بالغ ۹ تا ۱۱ متر طول دارد در یک حجم حدود ۳۰*۳۰ جا گرفته است. پیچ در پیچ و کنگره دارد بودنش مصلحتی دارد نزد حکیم مطلق ولیکن عیبی پیدا می کند که مواد را در خودش نگه داشته تخمیر میکند و از تخمیرش باکتری هایی تولید می شود که اگر اینها تخلیه نشوند موادی را از خود آزاد می کنند از جمله الکل و این الکل آزاده شده اثراتی خواهد داشت از جمله سر درد، سر دردهایی که در حوزه بهداشت و پزشکی مورد بررسی است در سه گروه به دستگاه گوارش ما برمی گردد. یکی از آن گروهها به این خاطر است که عرض شد. حالا اگر آشنا شدم با بعد تنقیه بهداشت اسلامی و نرفتم فقط طب الرضاع) و طب الصادق(ع) بخوانم که بدانم چگونه بعد از خوردن پاک کردن(تنقیه) را شروع کنم، مطمئناً سطح بیماری های من به صفر نزدیکتر خواهد شد. یکی از آداب تنقیه روزه است روزه بگیرید که در طول یک ماه از سحر تا افطار از ۱۲ تا ۱۴،۱۵ ساعت معده تان خالی باشد «صوموا تصحوا» بالتبع سالم خواهید ماند و به صحت نزدیکتر خواهید شد آن کسانی که نیاز به تنقیه بیشتر دارید بدانید یک ماه رمضان فرض(واجب) است

ولی در غیر ماه رمضان را به این شکل و تربیت پلکانی که گفته شده است رعایت کنید: نخست پنجشنبه اول و آخر ماه قمری و چهارشنبه میان ماه. من که نمی دانم در هز بعدی دین را برایم کامل و نعمت را تمام کرده است، اسلام ام مرضی رضای حضرت حق نخواهد بود. آیه «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» نتیجه اش می شود «رضیت لكم الاسلام دیناً». نمونه بارز بین متدینین بیماری پشت بیماری است.

پیامبر به این خاطر می فرمایند که هر که این سه روز را روزه گرفت گویا تمام سال را روزه داشته است. نه فقط اثر تکلیفی بلکه اثر وضعی هم دارد. پله دوم: دوشنبه و پنجشنبه هر هفته است. چرا ۵و۲ من نمیدانم؟ اسلام غریب است، آنقدر که روی نظریات هایدگر در اگزیستانسیالیست دانشجوی مملکت من تحقیق می کند به خودش رخصت می دهد که در تحقیق آزمایشگاهی روی زمان تحقیق کند که دستگاه گوارش انسان در طول هفته چه مراحلی را طی می کند؟ آنقدر که دانشجوی دین روی احکام ظاهری تفقه می کند، بر روی حکم حکم ها تحقیق نمی کند، تا چه رسد به تفقه. چرا؟ ارتباط تام با فیزیولوژی بدن من و شما دارد که شاید بر اگر روی سایت ها آورده شود باعث جذب دانشمندان آگاه به این پیچیدگی های گوارشی هم بشود. پله سوم: روزه داشتن در ماه رجب + ماه شعبان + ماه رمضان است.

رَزَقْنَا اللَّهَ وَايَاكُمْ الْعَمَلُ بِالْإِسْلَامِ. پر کردن و پاک کردن با هم می شود تربیت فکر و روح. در اقتصاد هم چنین است. آداب و احکامی گفته شده چگونه رزق را به کف بیاور و از یک سو می گویند چگونه این رزق را پاک کن؟ در یک واژه کلی صدقه گفته می شود.

رزق و روزی

۹

چگونه رزق و روزی خود را
افزایش دهیم؟

«فوق العاده کار بردی»

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید

واحد فرهنگی
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)



{من باید اعتقاد داشته باشم رزاق حضرت رازق است یا نه؟ اگر دارم بروم حدیث حضرت علی(ع) را ببینم: فکر نکن فقط با عقل تو پول در می آید خدا هم پول را به عقلاً داد هم به عده ای که اهل حُقم و بُهل اند و بهره ای از تدبیر و خرد نبردند. برای چه؟ برای اینکه نشان دهد وکیل رزق من هستم نه خرد تو(وَكُلُّ الرِّزْقِ بِالْحَقِّ) حضرت(ع) هم مقداری از ۴۰۰۰ درهم را به پسرشان محمد دادند.

قرآن می فرماید: وقتی صدقه می دهید من رشدش می دهم حتی کسانی که به دنبال ربا هستید، من کمیّت اش را نه ولی کیفیت اش را از بین می برم و می گیرم. من مربی صدقه ام(یربی الصدقات؛ صدقه را رشد می دهد) و یا می فرماید (مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً؛ کیست که به خدا قرض الحسن دهد، تا آن را برای او، چندین برابر کند؟) (بقره ۲۴۵). صدقه وقرض نوعی بیمه کردن است (ما نقص مالاً من الصدقه؛ از صدقه مالی کمأ و کیفأ دچار نقص نمیشود) حضرت صادق(ع) می فرماید: مالی در بر و بحر نیست که بدان بلایی برسد مگر از عدم پرداخت حق خدا در آن مال. انسانهای مومن در اموالشان حق معلومی برای سائل و محروم است: {معارج/۲۴} «فی أموالهم حقّ معلومٌ / للسائلِ و المَحْرُومِ» این صدقه نوعی اقساط برای بیمه است. در روایتی آمده است: (استنزلوا الرزق بالصدقه؛ رزق را با صدقه فرو بکشید).

ادامه دارد ... (شماره ۱۰ را مطالعه کنید)

۵

در ذیل صدقه واژه هایی قرار می گیرد مانند انفاق، زکات، قرض، چگونه به تبلیغات بیمه و موسسات اعتباری برای سودزایی اعتماد می کنیم اما به قول قرآن در این همه آیات رحمان اعتنا نداریم.

پاکسازی رزق :

اول حکمت التأثير : تأثیر انفاق و صدقه بر رزق ؛

دوم مراحل التأثير ؛

و سوم آداب الصدقه .

حضرت صادق(ع) پسرشان محمد را صدا زدند و فرمودند: یا محمد چقدر سر ریز سود امروزت از شأنت، در دست هست؟ گفت چهل درهم آقا فرمودند بیاور شاید فکر کردند آقا می خواهند راهنمایی کنند این پول را فلان جا و فلان ملک بخر و سرمایه گذاری کن (چون حضرت(ع) در بابا سرمایه گذاری حرفهایی دارند عجیب و غریب) وقتی آورد فرمود: فلانی مستحق است این پول را به او تخصیص بده (من آیقن بالخلف جاد بالعطیه) {کسی که ایمان دارد به اینکه خدا گفته است من خودم صدقه شما را تربیت می کنم رشد بهش میدهم اگر پیش خودتان باشد از بین می رود پس به من بسپارید برایتان حفظ می کنم، وقتی بخواهد هبه ای به خدا بدهد، هبه خوب می دهد از آنچه دوست دارد می دهد نمیگردد در دسته پولش آنکه نه تا کسی برداشته نه مغازه دار، را صدقه بدهد. این به درد نمی خورد. وقتی هم صدقه داد به اندیشه سود زایی دنیوی نمی دهد که خرابش کند.} پسر امام چون ایمان داشت به امام مفترض الطاعه چهل درهم را داد. ۱۰ روز بیشتر نگذشته بود که ۴۰۰۰ درهم به دست حضرت(ع) رسید. از باب خمس و زکات بلکه کسی به حضرت هدیه کرد.

۴